

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

مشک تر

(از خاطرات گذشته)

شهی شبی شکن زلف خود چو مشک تری
شهی شبی شکن زلف خود چو مشک تری
بلی، لبی چو عقیق یمن بمن بنمود
بلی، لبی چو عقیق یمن بمن بنمود
نظر نمود که نذر نظاره اش بکنم
نظر نمود که نذر نظاره اش بکنم
چو موج گل به نظر آمد و گذشت و نماند
چو موج گل به نظر آمد و گذشت و نماند
منش به هر قدم انداختم سری به نیاز
منش به هر قدم انداختم سری به نیاز
سریست بین من و یار، اگر سَرَم برود
سریست بین من و یار، اگر سَرَم برود
حکایت لب لعلش اگر ز من پرسی
حکایت لب لعلش اگر ز من پرسی
تبی ست در تن من از بتی سیه چشمی
تبی ست در تن من از بتی سیه چشمی
رقیب گشته قریب نگار من، گوئی
رقیب گشته قریب نگار من، گوئی
نگار اگر گذر از رهگذار من نکند
نگار اگر گذر از رهگذار من نکند
رگ جنون مرا هم به عشق پیوند است
رگ جنون مرا هم به عشق پیوند است
بیا وگر نه چنان از تو دور خواهم رفت
بیا وگر نه چنان از تو دور خواهم رفت

بنازم آن پدري را که چون تواش پسر است خوش آن پسر که برد فيض آنچنان پدري

به شکر نعمت یک خنده، شکر افشاندی

«اسیر» این سخت نیست کمتر از شکري

(شهر نازنين کابل - قوس ۱۳۳۷ ش)